

# بسم الله الرحمن الرحيم

حمد و سپاس مر خدا میراست جفا نه که از اطهار افاضات نعمت های  
به تنهایی خود بالنسبه بمواد قابله مشت خاکی را با این گونه نکالات آراسته و پیرایه

و این دلیل بکمال قدرت اوست جلت عظمت و درود غیر معدود بر پیغمبر محمد و آل و باد  
و بعد این عبد محتاج بر حمت حق ذوالمنن ولی الله این محمد خواجه

الاصول محله المسکن بر بزم نیر کا فیه مؤننین و اخوانین انعامی دارد که این  
کتاب طباطبای علیین الفضلاء المسمی بقصص العلماء از تالیفات فخر الحقیقین و المدققین و المجتهدین

جامع المعقول والمنقول حاوی الفروع و الاصول الفاضل الموقر جناب آقا میرزا محمد تقی که در بیان  
کفایت احوال سعادت مال علماء اعلام و فقهاء کرام و حاملین احکام است الا ما

علیه و علی آله اکمل التحية والسلام متوجعین تیاج مداد العلماء افضل مدین الشهداء  
از زمان تصنیف الی زمان غیبت خاتم الاولیاء و فخر کلام علماء استی کاتبان

بنی اسرائیل کتابت مشتمل بر نواید بسیار و عواید بسیار از میسی است شفیق و حلیمی است صدیق  
سلسله کلماتش رشاک گیسوی حور العین و نقاطش شکننده درونق بازار خالی بسیار بر ماه چین

مبایاتش صیقل دهنده فهم بر صاحب ماده مطایباتش مصداق مزاج المؤمنین علماء  
کذا را اسنادش غیرت مانع ارم بوستان حکایاتش مفرح خاطر ذرم و حقیقت

تصنیف است بعدیل و مالیفی است بمشیل دریت خوشایند است هر کس این کتب را در دست  
مستوفی الی الالباب چون بقا چاشنی بود بخط دریم و بریم و نسخ آن بسیار کبابین بقلب شتاقین این التماس

و دریم بامید توینین رجاء اجریل استین تمت بالارزده بنام حاجی اسم گرامی سرکار زوایب مستطاب معالی القلوب شید  
قبایلین کا در صد بنا کو کسب خاک الت و الطود و الفیضیم مما الوجه العظیم مع الامم العالمین علیهم

الافاضل العالمین سیرین ابریم غیبت السکال عدیم النظر در جو عالم فضل انبار کار نواب شرف و  
و جلال الملک افغان خان بان بهکدام قباله و اعطاله نخط نکت واضرمانند لاج کلبه طبعه آرایش نعمت کرم قبول

و این تمام تصنیف است که در این کتاب است و این کتاب است که در این کتاب است و این کتاب است که در این کتاب است



بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

الحمد لله العالی القادر المتعال ونصلی و سلم علی الشیخ المشفق یوم المآل و علی العتره و الال و بعد  
چنین گوید این فقیر فانی محمد بن سلیمان التتکابی که این کلمات است که برای فهرست کتاب قصص العلماء برشته  
تحریر آید تا در پیدا کردن سامی و حکایات علماء اعلام سهولت حاصل آید و بر سر هر اسمی بحساب بیدار خود  
بجای نشان گذاشته بعد از خطبه و دیباچه اقا سید ابراهیم بن سید محمد باقر الموسوی استاد مولف این کتاب  
در تعداد و تلامذ ان بزرگوار و بیان در سن و فور علم مناظره حاجی شیخ مهدی با صاحب لسان سائید استاد  
و کیفیت تفصیلش رویای استاد دیده اش را تا لیفات او حافظه وجودت خط از لوح و اولاد اخلاق او  
حکایات مضحکه و مجلس درس تشنیع صاحب تاج بیان مراتب اجتهاد اجاه استاد برای مولف کتاب و نقل  
عبارت اجازت زهد او فنا و ای غریبه که اما استاد نجات دادش شیعه را که محبوس بود غرائب حکایات  
و روایات مسموعه واقعه فیما بین استاد و شیخ محمد حسن نجفی مشاجره میان استاد صاحب فضول و ذوات  
او استدالات غریبه از استاد در عدالت و می و در عموم منزل در رضاع و تحقیق قاعه که مولف بر رضاع  
نموده و ام در غرائب استدال شیخ محمد حسن نجفی و مسئله مضارعه مولف حاجی محمد تقی شهید ثالث هر  
خوابیدن پیشش بپیچید و در طریق تحصیل شهید و اسانید او در وصف عبادت شهید و کلمات متفرقه بیان  
مولف و شهید ثالث حکایت سلطنت مرحوم اقا محمد خان در بیان شهید مراتب اجتهاد او در مناظره مولف  
باشهید در مسئله نبیت عبادت صبی در مخالف واقعه فیما بین شهید و صاحب توانین خلاف شهید یا علماء

# فهرست

ایران در بدل ملی مدت انقطاع را فنا و اسے غریبه در اجازات شهید و مشایخ اچان او در اجان شهید بر او  
 مولف کتاب و ذکر عبادت اچان در سوال مرحوم فتحعلی شاه حکایت نایب السلطنت و او جواب شهید  
 در مکالمه شهید یا مرحوم محمد شاه در باب فروختن قبول و قرئه فالصه در نماز عه حکیم بابی باشی باشی در باب انگشتری  
 شهید ثالث با مرحوم محمد شاه و ذکر حکایات لقلوس در محاضره حاجی سید محمد تقی باشی در تالیفات شهید محاسبه  
 شهید با اخوند ملا صفر علی محاسبه با اخوانش در محاسبه او با حاجی ملا احمد زراتی در کرامات او و خواب مرحوم فتحعلی شاه  
 فاطمه را در اینکه کسی قصد قتل او کرد و قدرت نیافت در اینکه کسی قصد قتلش کرد و آتش در انبار پنجه اش قناد در  
 رویای او پیغمبر را تحقیق مولف در سلسله تعبیه در برد و کفیر شیخ احمد الحسائی در مناظرات شیخ احمد در ادوار نوافل شیخ  
 و فروختن بخت و فروختن اقا سید رضا بخت را در جواب شیخ از کیمیا و مطایبه در رویای شیخ احمد ایثار  
 در تحقیق خوارق عادات از محقق و سطل حکایت ریاضات بنود حکایت در روشی که طی الارض داشت حکایت  
 هندی که خدمت حضرت صادق رسید و میگفت هر چه را که در دست بچنان میکردند در تقسیم ریاضت بشرعیه و صوفیه  
 در بطلان ریاضت صوفیه مکاشفه محی الدین عربی مناظره مولف کتاب با ملا ابوطالب جفاری و مناظره شهید  
 ثالث با شیخ احمد الحسائی در کتب رکن الدوله شهید و شیخ احمد را در حکم با فساد شهید و صایت شخصی را که شیخی بود در منزل  
 حاجی سید کاظم با شریف العلماء و ملا محمد صفر استرآبادی در محضر قاضی محمدی در تعداد مکفرین شیخ احمد از علماء و سلمه  
 معاد که موجب تکفیر شیخ احمد شد در اسامی عالم مثال در مکالمه مولف کتاب با حاجی ملا ذکریه سبزواری حاضر  
 شدن امیر المومنین در سر بر مختصری و اشعار دیوان ذریه و ن امیر المومنین در یک شب همان بقا و نفر در مذبح ششم هر  
 در معاد و در شهادت کل و ما کول در سلسله معراج جسمانی در جواب از شبهه عدم جواز خرق و التیام در افلاک بسبب طریح  
 پیغمبر و اینکه شیخ احمد ایثار را علل زبده میداند در جواب از استدلال شیخ احمد در علل اربعه در جواب از مشیت و تحقیق  
 ان در جواب بکتبون الکتاب در جواب حسن الخالقین در جواب از تخلق من الطین در جواب انا خالق السموات  
 و الارض حاجی شیخ عبدالرحیم یا حاجی محمد کریم خان مناظره مولف کتاب با عباس قلینان جوان شیر در رویای  
 حاجی ملا محمد صالح بن عانی پیغمبر را در کندر خوردن شیخ احمد در تکفیر شیخ احمد صبی از صنادید علماء را در تکفیر شیخ احمد  
 ملا حسن فیض را در عقاید باطله محی الدین عربی در محاسبه فتن علاء الدوله سمنانی محی الدین را در تحقیق اثبات کفر  
 و ایمان در احتجاج شیخ محمد حسن نجفی با شیخ الحسائی در محاسبه میرزا محمد حسن خلفا خوند ملا علی با حاجی سید کاظم در عقاید  
 شیخ احمد در آیت کعبه که علی باید قصد کرد و در جواب از شبهه شیخ احمد در آیت کعبه در استفتاء اهل هند خدمت اقا  
 سید ابراهیم و حاجی سید کاظم در شهادت شهید ثالث در مسجد جماعت بابتیه در مذبح بر علی محمد باب و تقسیم  
 مذاهب سلطنت شینیه احتیاج میرزا محمد حسن ساوری با حاجی سید کاظم در احوال میر علی محمد باب و مذبحش

و ابطال تدهش و بد و طلوع او و مناظره علماء رتبه بره با میر علی محمد باب در محضر حضرتین شاه و در زمانیکه  
 و بعد بود و الزام و سیاست او و قتل او -  
 حاج اقا سید محمد باقر بن سید علی قزوینی و بد و تحصیل او و مشایخ او و اجازت دهرائے مولف کتاب و نقل عبا  
 و اجازت او و تالیفات او و اخراج او از وطن و سبب از دیا و عمر علماء رتبه و وجه -  
 و محمد بن سلیمان بن محمد رفیع بن عبدالمطلب بن علی التکائینی مولف این کتاب احوال اجداد و احوال اولاد  
 و کرامتش حکایت ملا محراب صفحانی با والد احوال خال مفضل اقا سید ابو جعفر در کرامت معصوم و کرامت  
 عبد العظیم و و خدیجی از بزرگان و رفع استبعاد فرنگیان در انشقاق قمر و رویای کربلا و اثبات نبوت خاصه  
 در تالیفات مولف از نحو و تفسیر و صرف و معانی بیان و بدیع و منطق و ادب مناظره و لغت و علم حروف و علم  
 لغت و حساب و نسبت و اصول و فقه و خبر و مربع و رمل و انشاء و در آیه و رجال و قرأت و غیر آن در مشایخ معلول  
 مولف و حال خال مفضل اقا سید علی و اثبات امام دو از و هم از طریق شیخ احمد -  
 و حاجی ملا محمد صالح بن برغانی در اسانید و مشایخ و اجازت تالیفات او و بیان کتب محترمه اخبار صیبت و مطایب  
 او و وفات او و احوال موجوده جابلا عبد الوهاب و تحقیق حکمت زنده بودن عیسی و نزول بزین و نماز در خلف امام  
 عصر روحی فدا و عجل الله فرجه اخوند ملا صفر علی لاهیجی تالیفات و اخبار اشرف و معارف مولف با  
 و اخوند ملا عبد الکریم ایرانی و در او صاف او در وصیت اقا سید علی استاد او با و در تدریس  
 او حکایت غریبه در عدم اشتغال او در جماعت نکردن او در دیدن کتاب حاجی کلباسی مناظره حاجی ملا  
 احمد و حجة الاسلام در رویائے او در باب حجت تبتقی -  
 ر حاجی ملا محمد جعفر استرابادی در تالیفات او و دقیق او در علم صرف و حکایات منصفی منقول از  
 ح اخوند ملا حسن یزدی در تقوی و کرامت اخوند در رویای اخوند پیغمبر را در منع اخوند ذکر را از اینکه شیر کبه  
 بقبلگاه ابد امیرالمؤمنین بود -  
 ط شیخ محمد حسن نجفی در احوال او در بسیار امان و اذن او و پشیمان شدن در اخر و تالیفات و مشایخ او در  
 طریق شیخ در نماز خواندن و نماز حجة الاسلام و تحقیق مراتب صحو و محو و جمع و جمع الجمع و تفرقه  
 می شیخ مرتضی شستری در مشایخ و زهد و ورع و علم و عبادت و تالیفات او را اخوند ملا زامای  
 در مکالماتش با تادش شریف العلماء و طریق تدریس و تدریس و علم و زهد و تالیفات او و او صاف کتب لغت  
 و خواب دیدن او بن ابی الحدید و مناظره با او و مناظره او با دفتر دو و مناظره او با افندی بغداد  
 سید محمد شریف بن ملاسن علی ملقب بشریف العلماء در مشایخ او در کیفیت اصول او در تدریس او و احوال

شیخ محمد حسین صاحب فصول مناظرہ حاجی ملا سید احمد و تشریف العلماء و اوقات ابراہیم مکالمہ حاجی ملا سید احمد  
بالملا اسمیل بزوی و حاضر شدن در محضر تشریف العلماء -

شیخ محمد تقی بن محمد رحیم صفحانی در تالیف او و احوال شیخ محمد حسین برادر او -

پیدہ حاجے محمد ابراہیم کلباسی در مشایخ او تالیفات او و کتب او اوقات رضی را در نغزین بر حاکم صفحان  
در نغزین او بر شخصی و ملاک ان شخص در مشاعرہ جناب حاجی کلباسی و رضوان ارامگاہ فتح علی شاہ در اجازت  
بہ حاجی ملا علی کنئی تالیف او و نقاہت او -

یو اقا سید محمد صادق طباطبائی و اوصاف و اخلاق او -

پیر اقا سید اسد اللہ بن حجۃ الاسلام در نقاہت و عبادت او -

شیخ حاجی ملا محمد اشرفی در کرامت او در عزل حاکم کرامت دیگر و دیدن اقطاب -

یقط شیخ زین العابدین با در غرو شے ساکن کر بلا -

کتاب اقا سید حسین ترک و مشایخ اجازہ -

کتاب اقا سید محمد مهدی ابن اقا سید علی در تدیس و زہد و مسافرت بطہرن باب بیود و وفاتش و احوال ملا محمد حسین  
کتاب اقا سید محمد بن اقا سید علی و مشایخ او در مناظرہ او با میرزا قاسمی حکایت والدہ مولف کتاب با او  
در تالیفات او در بعضی از اخلاط مشہورہ و کسبوان نہاشتن حسرت و در جواب فخر المحققین دنداشنیدن  
سید الشہدا بکر بلا و تحقیق شجاعت روز عاشورا والدہ اقا سید محمد ذوقا با صفحان تاراج و نابیتہ  
در جہاد و احوال محمد علی نوزے فنا و ای غریبہ -

کج حاجی ملا احمد زرقی تالیفات او فنا و ای غریبہ مکالمہ با فتح علی شاہ در مرض فرزند در حاجی ملا محمد  
خلف او با محمد شاہ در ورود حاجے ملا احمد بحلب عالم -

کد ملا محمدی زرقی در مشایخ او در طریق تحصیل او در تالیفات او در تعلیظ زہر در اب کردن و با حسن  
دادن تحقیق نقل اخبار ضعاف توشیق ابراہیم بن ماشم قتی -

کہ اقا محمد علی بن محمد باقر و جت شیخ جعفر احوال میرزا محمد باقر نواب احوال شیخ محمد رفیع احوال حاجی محمد  
آبادہ احوال اقا سید صدر الدین املی احوال ملا علی اکبر خوانساری احوال حاجی سید شفیع پروردے -

کو حاجے سید محمد باقر در علم او تالیف او تدریس او احوال جعفر نظر آبادی در مناجات غم عشرہ و تحقیق اینکه  
معصوم بہت یا نیست در عرض با و فتنق اورا بسبب زیادتی بکار حکایت تضرع و احتمال سید در روشن کردن  
چراغ در اتحمام در سرتراشدن در عدم سہوا و در نماز در مراعات غریبہ او کہ کشف از فراست و کبالت او در

## مهرست

در فقر و فاقه و بدو امر در عالم بحر العلوم با او در معامله افاضت علی با او در معامله و ضیافت او و والدش  
 در رحم او بر سک کرکین در ثروت او آوردن قبل از زند در وصف کتب او و سبب چهار بار در مکالمه سلطان  
 با او در مجلس اول در اخلاق او در سطوت و صولت و امر معروف او در ورود او بدین محمد شاه در اجراء حد و  
 در تفسیق او حاجی ملا اسد الله را و احوال میرزا محمد تقی نوری و فتوایش بر عدم مخطوب بودن دفان صوم را و  
 احوال حاجی ملا محمد صادق رشتی و حکایت حاجی میرزا مسیح و آقا محمود در سخاوت حجة الاسلام در احوال بیدل  
 و بیجو بیدل حاجی میرزا آقاسی وزیر و حکایت متشم و کرامات بیدل و انعام سستید به بیدل و بذل او بیجه ذبیر  
 تومان را در یک ساعت و بنیاد مسجد ابا و دعوت و نمیت او در آواز طلب از حجة الاسلام در احوال اخوند  
 ملا علی نوری و مکالمه ملا علی با آقا سید علی در حکایت علیان در تکفیر ملا علی صوفی را در هر سلسله ملا علی  
 میرزای قمی و جوشش در کرامت آقا سید محمد باقر حجة الاسلام -

کرامات آقا سید مهدی بحر العلوم و در تالیفات او در آقا مه و کلمه در تسالم او بایکی از عامه در تشیع امام جمعه که در  
 کرامات او محاکات میان او و میرزا قاسمی دیدن او امام را در عسکر بین کشوده شدن و امیر المومنین برای او  
 دیدنش امام عصر را اخبار بستر نهانی در اخلاق او و احوال صدرالدین در کرامت او در طول شدن انسان در بعضی از اجزا  
 کلام آقا سید علی صاحب ریاض در نسب او در تحصیل او مکالمه میرزا و آقا سید علی در کرامات آقا سید علی در تالیفات او احوال  
 میرزا محمد اخباری مکالمه او با حجة الاسلام مباحله شیخ جعفر با میرزا محمد آوردن او در شیخ روضه امجدیه او با آقا سید علی  
 کلام میرزای قمی در کیفیت تحصیل و ماندن در دوات به حکایاتش و مسافرت بشیر از و اصفهان و خریدن کتب  
 بیزان و فتوای غریبه او و مشایخ اجاز و مدفن و تالیفات -

آل شیخ جعفر بن شیخ خضر در احوال شیخ علی بن شیخ جعفر در احوال صاحب عبادین در معارضه اخون شیخ حسن  
 و شیخ علی در مطابقه شیخ حسن در وصایای شیخ جعفر در مطابقه شیخ حسن در مناظره شیخ و آقا سید ابراهیم با علماء  
 عاتق حکایت ابن علوسی که از علماء هامة بود و در باطن شیعه بود در حل خیریت طهور در آیه شریفه در تشیع ابن علوسی  
 فتاوی شیخ حسن احوال شیخ محمد و شیخ مهدی اخفا و شیخ جعفر در ورود و لغش اخوند ملا علی نوری و استقبال  
 شیخ علی در کیفیت فقاہت شیخ جعفر در مشایخ اجاز او در مطایبه تدریس شیخ سیصد دفعه شرایع را در مطایبه  
 و مضاحکه کرامت شیخ در استجابت دعا در وعظ شیخ در بلده رشت ترغیب بنوا فل مو عظه او در قزوین در  
 بیان و قرب وسیله در تشهد خواب پدر شیخ پیغمبر را کرامت شیخ در شفا کور در آذن شیخ فتح علی شاه را در امر  
 سلطنت در کرامت در مجلس فتح علی شاه در ورود شیخ مجلس درس اخوند ملا علی نوری در خواب شخصی پیغمبر را در خواب  
 ملا علی با شیخ جعفر در اقتداء شیخ با بیجماعت و بتکلیف ملا علی نوری در امانت در سخاوت شیخ در اخلاق

۱۔ سیرہ او در سوال شخصی ان سید شیخ را در خطبہ شخصی صبیحہ شیخ را در اصحار و دامادان شیخ محمد تقی و آقا محمد علی و آقا  
 سید زالدین علی و سید امداد کاظمینی و احوال سید عبداللہ شیر و شیخ جعفر مال حرام نخورد و کرامت او در ہجان در  
 مروت و خلاف نفس شیخ در قما و امی غریبہ شیخ جعفر در تالیفات شیخ -  
 ۲۔ آقا سید محسن کاظمینی تالیفات سید در اقدان کردن شیخ احمد - سید  
 لب آقا محمد باقر بیجانے احوال پرش ملا محمد اکل خواب دیدن آقا محمد باقر امام را احوال آقا محمد علی بن قباقر  
 کرامت آقا در استخان و رو و شیخ جعفر باقر محمد علی و اعطی آقا محمد علی حکایت آقا محمد علی با آقا محمد خان تالیفات  
 آقا محمد علی در خواب دیدن آقا باقر امام حسین در درس خواندن آقا باقر سیوطی را بر نزد عمہ اش در زہد و سخا آقا  
 محمد باقر در تغیر آقا باقر عبدالحسین تالیفات آقا محمد باقر در مروجین مذہب شیعہ در رس ہرمانہ -  
 ۳۔ لاج اخوند ملا محمد باقر مجلسی وجہ تسمیہ مجلسی کرامات او حضور اجنبہ مجلسی در رس او در خواب شخصی امیر را در زمان ولادت  
 او در دیدن خوابی کہ امیر المومنین و پیغمبر بارزوی مجلسی را گرفته و بردند در خواب شخصی کہ پیغمبر بسیار التفات مجلسی  
 کردہ کرامت اخوند در دعای شب جمعہ در اخلاق مجلسی طریقہ تالیف او و ہریت او در محافظت کتب علمیہ در مدرس  
 مجلسی در علم کلام در شیرزادان مادر او در حالت جنابت ترتیب و تبویب علم فقہ و اخبار سبب اختلاف اخبار در  
 محمد بن ثلثہ او اہل و کتب باربعہ و محمد بن ثلثہ او آخر در تجازی مجلسی و صاحب سائل در تالیفات مجلسی و ضبطات زود  
 و تفصیل کتب و مجلدات بجا در مطایبہ مجلسی در وفات مجلسی و مشایخ اجانہ -  
 ۴۔ ملا محمد صالح مازندرانی در کم حافظ بوون او حکایت نیت طالب علم و نیت ملا سعد تقی زانی و حکایت سکاکی و تالیفات  
 آقا محمد مادی در ازاز سنگہ و نذر ترجمہ قران و کرامت او -  
 ۵۔ ملا محمد تقی مجلسی تالیفات او در کرامت او و مشایخ اجانہ و موعظہ او و حکایت اطاعت اجنبہ او را -  
 ۶۔ شیخ بہائی احوال ملا عبداللہ صاحب حاشیہ و کرامت او و کرامات شیخ بہائی و فتن شیخ بہنجف و احوال او باطن  
 احمد اردبیلی و مناظرہ شیخ باطنی شیخ کرامت شیخ در باب شیر و احوال میرفندرسک و خواب شیخ صدوق را و توفیق  
 ابراہیم بن ہاشم و عمل شیخ برای رفع و باورفتن کبوتر سرانندیب در سیاحت شیخ در کلامی مشکل کہ از شیخ صدور یافت  
 در جواب شیخ ناصبی را در طعن بعضی بر شیخ و جواب ان در بردن پادشاہ شیخ و میرا بشکار در ہجان شدن و و عالم  
 معارضہ شیخ بہائی با طبیب حکایت شیخ و قاسم صاحب اسرار تالیفات شیخ -  
 ۷۔ لاج شیخ حسین بن عبداللہ احوال او و اجانہ او و تالیفات او آمدن جبرین و معاوضہ با شیخ و در ولادت و وفات  
 لاج التین شہید ثانی در تلذ او نزد محقق ثانی در کرامت او کرامت در مداد قلم او صاف او تالیفات او توجیہ جناب  
 احرام علماء و اختلاف و قایم شہادت و کرامت حید او در کرامت اخبار نعیب -

ملاطیل قزوینی در قول ملاطیل که صغری و کبری در شکل اول مستلزم نتیجه نیستند و جواز ترجیح بلا مرجح و جواز  
از شبها تا او در مباحثه او با ملا میرزا -

ما اقا حسین خوانساری و تالیفات او -

مب اقا جمال و احوال او -

مجمع ملا میرزا یحیی مشیر و انی فتوای غریب رطل او معنی را در مطایبه او با اقا جمال در تدبیر ملا میرزا هفتاد  
دفعه شرح جامی را در احوال خلیفه سلطان و تالیفات او و هروله نکردن در حج -

ملا عبد الله تونی تالیفات او در مکالمه او با میر داماد در مکالمه او با شاه عباس -

ملا یوسف بن احمد بن ابراهیم صاحب حدیث در بدو احوال و کیفیت تحصیل و تالیفات او در وفات او  
و نماز گذاردن اقا باقر بیهانی بر او و احوال برادرش شیخ عبدالعلی و فتوای غریب او که جهر با خیرین باشد  
و احوال برادر دیگر شیخ محمد -

مواشیخ حسین بن محمد بن جعفر بحرانی -

مواشیخ سلیمان بن عبد الله مازنی و ولادت و وفات و تلامذه او و تالیفات او -

مواشیخ سلیمان بن علی بن سلیمان -

مواشیخ علی بن سلیمان بن درویش پسرش شیخ صلاح الدین و شیخ حاتم و شیخ جعفر و پسرش علی بن جعفر -  
مواشیخ احمد بن شیخ محمد بن یوسف و اجازت مجلسی برای صحبت محقق سنواری با او و تالیفات او و احوال پسرش شیخ محمد بن  
منا سید علی بن سید علی بن ابی الحسن الملقب بسید نور الدین و احوال پسرش سید جلال الدین -

مواشیخ محمد صاحب مدارک تلامذ صاحب مدارک و صاحب عالم دین و مقدس در بیلی و احترام او و صاحب عالم را و فتوای غریب صاحب  
مدارک و غفلت او در مدارک و توجیه ان -

مواشیخ محمد بن شمس الدین در نوشتن صاحب عالم آید بر سر قبر صاحب مدارک و مرثیه بر او و تاریخ ولادت و  
مشایخ اجازت او صاحب مدارک و تالیفات صاحب عالم و وفات او و احوال سید حسین پسر صاحب مدارک  
و احوال پدر او و احوال سید علی بن صالح و تالیفات او

مواشیخ محمد بن ماجد بحرانی و تالیفات او و مناظره او با شیخ سلیمان بن عبد الله مازنی در انیکه وضع را در سجده شرط  
مرثیه هشتم بن سید سلیمان و تالیفات او و احوال سید عبدالعظیم بن سید عباس استرآبادی -

مواشیخ فخر الدین طریقی و مشایخ اجازت او و احوال شیخ صفی الدین پسر شیخ فخر الدین -

مواشیخ صالح بن عبدالکریم و تالیفات او -



ح شیخ جعفر بن کمال الدین بجرانی -

نظ شیخ احمد بن صالح و دوازی بجرانی و تالیفات او -

س علی بن عبد الله بن احمد بلاوی و تالیفات او -

سا علی بن حسن بن یوسف -

سب شیخ محمود بن عبد السلام -

سج محمد بن احسن صاحب وسائل و تالیفات او -

سد شیخ زین الدین نواده شیخ ثانی و مشایخ او در رد بر شیخ زین الدین و صاحب حدائق و رد صاحب وسائل و تالیفات و سایر اخبارین و رد بر ملا محمد امین استرآبادی -

سه شیخ محمد بن شیخ حسن نواده شهید ثانی در کرامت شیخ محمد و تالیفات او و رد بر صاحب حدائق و تالیفات او و شیخ علی بن محمد و تالیفات او -

سز شیخ سلیمان بن صالح حکایت عجیبه احوال شیخ محمد بن سلیمان شیخ عبدالغنی و شیخ سلیمان بن سلیمان و شیخ زین الدین بن سلیمان  
 سح شیخ احمد بن ابراهیم والد صاحب این مباحثه او با شیخ عبد الصمد تالیفات او و وفات او اواخر صفره حجه حجیه  
 سط شیخ عبداللہ بن حاج صالح تالیفات او -  
 ع میر محمد موسی استرآبادی -

عا میر محمد صالح بن عبد الواسع -

عب محمد قاسم بن محمد صادق استرآبادی -

عج محمد بن حسن اصفحانی فاضل نبوی در بلوغ بر تبه اجتهاد قبل از اكمال سیر سال تالیفات او در فضل چهار ساله  
 عالم در احوال شیخ ابو علی بن سینا در قوت سامعه او در قوت باصره از دیدن او عطار در ابروی شمس مانند خال  
 در قوت و تراکه او در قوت حافظه او در ادعای او و تعلیم او در معارضه او با جنه کی در کیمیا و در معالجه او برقان قبل السابغ  
 را در ترتیب او زلازل شتر او خواب فاضله در فتوای او بذاتیت دلالت الفاظ در معارضه شیخ ابو سعید ابو انیسر با  
 و خواب دیدن شخص بغدادی در ایراد شیخ ابو سعید با او در شکل اول در مناظره او با بهینا در دعوی ثبوت حکایت  
 او با طیب و تالیفات او در معارضه و بهینا در زانچه طالع ولادت او معارضه او با ابو علی بن مسکویه در زندان و وفات  
 عد ملا محمد امین استرآبادی -

عه میرزا محمد بن علی بن ابراهیم استرآبادی در دیدن او صاحب الزمان را -

عو ملا محسن فیض در مباحثه او با فرنگی در گفتن کینز برای او و زهد او و ورع او و اخباری بودنش و در رویایی

ملاصدقی اور و تالیفات او در مشایخ او و مسافرت بیشتر از و استخوان و نعال زدنیان در مشایخ اجازه ملاصدقی  
 در احوال میرزا ابراهیم پسر ملاصدقی و نسب ملاصدقی و تالیفات او و اجازت او و تلامذہ او و احوال ملا عبد الزاق تلمیذ او  
 و تلمیذ دیگرش شیخ حسین تنکابنی در مذہب ملاصدقی در مطایبہ خوش مزہ در مذہب عشق -  
 عزیر محمد باقر داماد و مشایخ او در تقصیل ملاصدقی میر داماد در فتاویٰ غریبہ میر داماد در تاثیر نقرین او و تالیفات او  
 و وفات او و رویای ملاصدقی میر داماد -

ع شیخ عبدالعالی بن علی -

ع عط سید ماجد اخباری در احوال شیخ محمد بن حسن و شیخ محمد بن علی و شیخ احمد بن محمد در نزاع شیخ محمد و شیخ علی در مسئلہ طلاق  
 ف ملا عبداللہ ششتری -

فا شیخ نعمت اللہ بن احمد بن محمد بن خاتون و احوال ایشان و مشایخ اجازت ایشان -

فب شیخ محمد بن مکی شهید اول در اجازہ داشتند و از ہزار نفر در کرامات شہید اول و شش کرامت ذکر شد در اقوال  
 کیفیت شہادتش در تلامذہ در فقیہ بودن در دختر او و زن او و پدر او و تالیفات او -

فج ملا احمد اردبیلی تاریخ وفات در زہد او و عدم صد و سیاح از او در بہت سال و کرامات او و دیدن او امام را  
 و اتفاق او عامہ خود بر فقر او و تالیفات او -

فد محقق ثانی علی بن عبدالعالی کرکی در احوال و تالیفات شیخ علی بن عبدالعالی طوسی در احوال محمد بن داؤد  
 در اخلاص شاہ طہاسب بہ نسبت محقق ثانی و وفات او و تالیفات او -

فہ شیخ ابراهیم بن سلیمان قطنی در تلامذہ او و دیدن او امام عصر او و معارضات او با محقق ثانی در رد جاہلۃ  
 سلطان و تالیفات او در تلامذہ او -

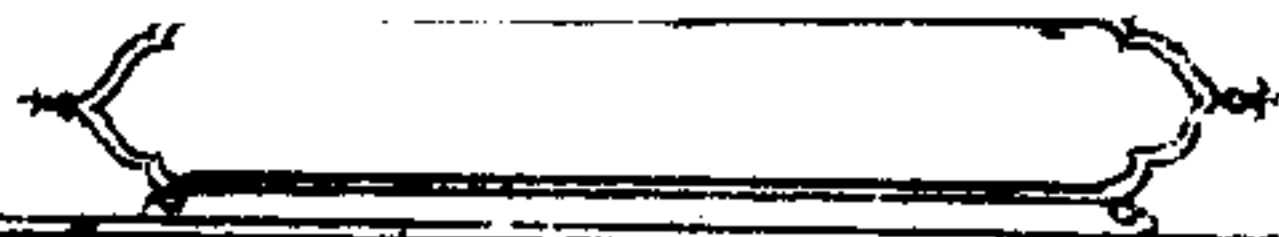
فو فخر المحققین محمد بن الحسن در اجتناب پدرش و جدش پدرش و عمش و حال پدرش و دو پسر عمداش و یک پسر عمداش  
 و تالیفات او و اجتناب قبل از بلوغ و تاریخ ولادت و وفات و مسئلہ کہ میان فخر المحققین و علامہ خلاف شد -

فر قطب المحققین صاحب شرح شمسہ صورت اجازت علامہ بر سہ او در وفات او و تالیفات او -

فح علامہ تلی تاریخ ولادت و وفات مناظرہ علامہ با عامہ و مناظرہ علامہ با سید موصلی و رباعی شعر از او مجاہدہ شعریہ او  
 مطایبہ بنا با علامہ مطایبہ علامہ با محقق دیدن علامہ صاحب الزمان را در تقدم علامہ بر جمیع علماء در رویای شخصی در

در مصاحبت علامہ با صاحب الزمان در سفر زیارت در الزام علامہ مخالفین را و رواج دادن او مذہب شیعہ را مطایبہ  
 کاشی در حکایات غریبہ منقولہ از این علما در تاریخ او و تالیفات او -

فط محقق اول و اجتناب پدرش و جدش و تاریخ مولد و وفات و ورود خواجہ نصیر الدین در مجلس درس محقق و ایراد



بر محقق در سلسله قبله و سوال خواهد از محقق که اعلم این جماعت کس است و اشعار بن سعید و وفات محقق و اشعار  
 محقق برای پدرش و اشعار محقق در وعظ و مشایخ اجازه او و اینکه اول تاخرین است و تالیفات او -  
 ص. خواجه نصیرالدین طوسی تاریخ ولادت و تاریخ تمام شرح اشارات و صد بن تصنیف پنج حکایت مشهوره که  
 خواجه بغدادی نقل بن حاجب و اینکه این حکایت غلط مشهور است و احوال بن حاجب در شرح شافیه و شروع  
 کافیه و سبب تالیف اشک و صرف میر و کپا و تعداد حواشی جامی و مشاعر ملاجا و ملاحسن فیض و احوالات شریف  
 و ملا صدیق و تالیفات ایشان در شعر ملا سعد و سید شریف و ولادت سید شریف و وفات او و مباحثه خواجه  
 نصیر با ملا قطب شیرازی و ملا ملا قطب نزه خواجه و شیوه نش و فرمان آوردن خواجه در نزد خواجه در علم  
 لزوم اقامه بر این بر عقاید و نقل خواجه شیخ سعدی شاعر در مناظره مؤلف یا علمای در باب حافظ شاعر  
 در توجیه اخوند ملا علی شعر حافظ را در صحبت خواجه نصیرالدین با ملا کبکی در سرستی بودن امام فخر رازی در معانی  
 شعریه پیام با خواجه در سبب استعصم خلیفه عباسی در هلاک هلاک خلیفه با شاعر خواجه در صد بن تصنیف مراغه  
 با ملا کوه و علمای که با خواجه صاحب بودند در مشایخ معقول و منقول خواجه صورت جان سالم بدان امر  
 برای خواجه در توصیف علامه خواجه را در سوال علامه اقامت را از خواجه در وفات خواجه و ظهور کرامت در فن  
 او در تصانیف خواجه در احوال محمد خضری در مکالمه خضری با دشتا سیمیل در تالیفات خواجه در احوال قاضی حنیف و  
 مباحثه قاضی بعضی از علمای عامه و وفات قاضی ایراد قاضی بر عبارت قواعد و جواب عامه در تالیفات قاضی  
 بیضاوی مناقضات قاضی در تفسیرش -

صاحب محقق سبزواری و تالیفات و مشایخ او -

صاحب محمد بن عبدالفتاح تنکابنی معروف بسراب و تالیفات او و مشایخ و اجازات او -

صاحب علی ابن بابویه و دعای امام برای او جهت فرزند و وفات و تالیفات او -

صاحب صدق تالیفات او در کتب حادیه و غیره الفقهیه مناظره صدوق با نجاشین و مجلس سلطان وای غریبه صدوق و وفات او -

صاحب محمد بن یعقوب کلینی تعداد اخبار کتابی در کرامت سید زین پسیدن بد نش تالیفات او -

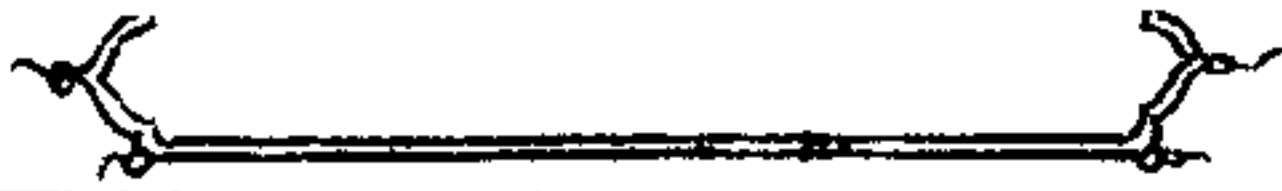
صاحب شیخ مفید مناظره با قاضی عبدالجبار مناظره بنی راکر است شیخ در دید امام و او در مناظره وای غریبه و مطایبه او با قاضی ابوبکر طایفه

ابوبکر مناظره او با فاضل کبکی مناظره او با ابی عمر شطومی مناظره او با شریف بغدادی تحقیق شیخ در رفع شبهات تحف را حنیف و با عمر

در جواب کرامت و با سید مروزی در تاریخ المومنین و سبب تالیف تاریخ ولادت و وفات او و نسب و تزیین حساب الامم و نوشتن بر قبر او در تصنیف

صحیح سید مرتضی در اجماع عامه بر چهار مذمت استعدا رسید که اجماع بر پنج مذمت میکنند در کرامات سید در حکایت

سید و در ویش کرامت سید و غرق نشدن طالب علم کرامت سید در تلمیذ علم الهدی و تلمیذ سید به تلمیذین



در جو دستید در اجرای وظیفه شیخ و ابن البراج کشیدن ابی العلام مرقی از مجلس شاد و انی غریبه و تالیفات او  
 صفت سید رضی برادر نقضی در اشعریات و از شاعران قریش و زهدتید آمدن نبرد و زینت سید فی کات  
 او در حاضر جوابی مامون خاین عباسی جمع مسواک در اشعار سید رضی حاضر سید در عبارات سید کرامت در روایات  
 ق شیخ الطایفه محمد بن حسن طوسی قاید نقضی از می احوال غزالی و شیعیه شدن قبلا محمد بن طائوس و علی بن س  
 ق شیخ محمد بن علی بن شایم در حکایت غده و شعراء در مسئله لغویه قیدی بن احمد صاحب قه شیخ مقصد و تالیفات او  
 ق شیخ نجیب الدین علی در اجازت ابن ازابار در بابویه بن سعد اجازة بنا چنانچه نفوسه نفرو و نفرو تعدد است بسیار از  
 ق ابن المتوج و مشایخ او تالیفات او و مقبره او فتح سید تاج الدین تلامذ او و مشایخ اجازة او قطب سید علی بن  
 و پسرش و برادرش و دو برادر زاده اش اجازة علامه این شیخ تفراتی صاحب مجمع البیان تالیفات او و وفات او  
 قیا شیخ محمود حمصی و تلامذ اش اشعارش قیب شیخ و رام بن ابی فراس و مشایخ او و تالیفات او و تلامذ او  
 ق شیخ سید حمزه بن زبیر صاحب غنیه و مشایخ او و ذکر برادرش و برادرش و فائده همه در اجمل غنیه با جمل غنیه  
 او و کرامت او و تالیف او -

- قیه احمد بن طالب طبرسی و تالیف او و مشایخ اجازت اش و خط بعضی از متاخرین در او -
- قیه ابن ادیس و قدح او و تعریف و مدح علماء او را و مصنفات او -
- قیه حسن بن داؤد و صاحب کتاب رجال و تالیفات او -
- قیه نجیب الدین بن نما و پسرش و نواده اش و ذکر ان نما -
- قیه سید مخاذ و حکایت او با ابن ابی احمد -
- قیه شیخ عربی بن مسافر و الیاس بن هشام -
- قیه شیخ حسن بن شیخ الطایفه و تالیفات او -
- قیه محمد بن شهر آشوب ما زندرانی و مشایخ اجازة اش از خاصه و عامه -
- قیه شیخ حنفی و دشتی و اولادش و نواده اش و شعر بعضی از انها -
- قیه حنفی بن محمد بن موسی بن قویه و مشایخ او و تلامذ او و وفات او و کرامت او -
- قیه حسن بن ابی عقیل و غلط مشهور بودن علی بن بشیر و تالیفات او و قوا و انی غریبه و در قبیل اذان و امانه  
 قله ابن جنید و برکتش از عمل بقیاس و تالیف او -
- قیه سلا بن عبد العزیز و ابی و شیخ او و نیابتش از شیخ سید در سن ضعف او در سن تحریر و تالیفات او  
 قله قاضی عبد العزیز بن براج و مشایخ او و تالیفات او و تلامذ او و وظیفه بودن او شیخ طوسی را -

قلع ابو الفتح طبعی و توصیف شیخ او را در کتاب رجال و مشایخ او و تالیفات او -

فقط عبدالعزیز بن ابی کامل طرابلسی در مشایخ اجازت او -

قل محمد بن علی بن عثمان کراچی و مشایخ او و تالیفات او قلا محمد بن عمر بن عبدالعزیز کاشی و ترجمه کشف و تلامذه او و مشایخ او و احوال شیخ او و جزایری و مدرسه ساختن و کشتی را بحروف معجزه آوردن و کتب بسیار نوشتن و سلسله ولاد او که فضلا بودند

قلب شیخ نجاشی و ذکر نسب او و وفات او قلا بن غضائری و تلامذه او و وفات او و ذکر فایده رجالیه که اگر تضعیف باله بود و دیگر معارضه کند کلام او و تضعیف او و موزست قلا محمد بن احمد صفی تالیفات او و تلامذه او و قله حسین بن عیادت و تلامذه

قلو محمد بن محمد بصری مشایخ اجازه و تلامذه او قلا محمد بن حسین قطب کیدری و تالیفات او -

قلح حسین بن علی رازی تلامذه او تالیف او از انچه تفسیرت در سب مجلد قلاط سعید بن هبه الله را و ندست قطب بقطب الدین تلامذه او و شرح او بر نهج البلاغه و مشایخ اجازت او و مدفن او در قم محمد بن علی بن حمزه طوسی تالیفات

قوامفید الدین محمد بن حمزه در تلامذه او و قطب ابن ابی المجد و زمان او -

قمح حسن بن ابی طالب یوسفی تلمیذ محقق و صاحب کشف الرموز محمد جرجانی و زمان او و تالیف او -  
 قمره علی بن محمد قاشی و تالیفات او قمر محمد بن شجاع قطاف و مشایخ او و تالیف او -

قمر ابن هند و تالیف او و مشایخ او و تلامذه او قمر شیخ منطوق ضبیری و مشایخ او و تالیف او و احوال شهرت شیخ حسین قمرط کاظمیکه محقق جوادی گویند و مشایخ او و تالیفات او -

قرمیر فیض الله تفریثی و مشایخ او و تالیف او و تلامذه او قمار فیض الدین نائینی و تلامذه او و تالیف او -  
 قنوب سبذ و الفقار مشایخ او و تلامذه او و اینکه او زیاده از صد و پانزده سال عمر کرده -

قنوج سبذ نعمته الله جزایری در مشایخ او و طریق تحصیل او و اسفار او و زحمات او و کمالات او بدو تحصیل و عصا کشتی برای کوری و علف کشتی و اقرع شدن و خوردن پوست خربزه و در شرط بگیرستی آمدن رفتن بشیر از و جریان خون از دستهایش و کرامت او در پیدا شدن غذا و عبور باندرون بازار و مسافرت باصفهان و تلمذ در خدمت علامه مجلسی و مسافرت بعنقات و دیدن روز ما و گرفتار شدن در میان طویله و آزار سادات سامره و محاسبه بابتد سامری و کرامت و شفای چشم و کرامت پیدا شدنش بعد از بعد از کم شدن و ایستادن کشتی در سفر جزایر و اخبار در مدح آب فرات و رفتن به نزد

سلطان بصره و از آنجا بجویزه در نزد سبذ یلعجان و رفتن به نزد

محمد زمان خان و سابقا بنزد میرزا عبدالقادر شکستن دست بعد مسافرت بمشهد

دفوت برادرش و صد بسیار بر سبذ خانه در توصیف این کتاب و فوائد بسیار گانه

این کتاب ابتدا اختتام پنجمین اجازت و این مختصر با اجازه رواد اولاد خود و اولاد



بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين والصلوة والسلام على خير خلقه محمد وآله اطيبين الطاهرين  
 وبعد فيقول العبد الذليل عبد العلي بن ابي القاسم الشيبه الاقا جاني المرباني الطالقاني ان هذا الكتاب المستفيض العلم  
 من تاليفات فخر المحققين والمحققين المجهدين جامع المعقول والمنقول وحا الفروع والاصول الذي يعجز العبارة عن تحديده وصفه و  
 تقصيره اذ طيس الطوبى عنه يحمد مدحه صاحب كتاب اسان الصدق في علم الاصول وصاحب كتاب تبيين الاحكام في شرح شرايع الاسلام  
 من الطهارت الى الديات في سبعة عشر مجلدا وصاحب التفسير ومشكلات علوم وكشكول المواعظ وقد زبر مولاته ومضفاته من الرسائل  
 واكتسب في العلوم العقلية والنقلية والرياضية والعربية منظوما ونشورا مما يزيد على اثنين بل تهرب ثلثماية وبحق ان هذا المقدم من تاليفه  
 زمانا هذا متعذر لمين هذا الامر ان ابيات امام العصر روي روح العالمين له الفداء فلا غرو في حقه ان يال انه علامته لانه في الامام معه  
 وهو العالم الوحيد والنهر الشيد الاقا ميرزا محمد الشكباتي سلاية الله تعالى عليه وقد علم في علوم النقلية عند صاحب كتاب التوضو والنجاسات والدلائل اقا جاني  
 الموسوي على انه تعلمه عند صاحب الجواهر الشيخ حسن بن شيخ جعفر الشيبه والشيخ حسن الشافعي والشيخ المصطفى والامام الاقا جاني الميرزا محمد الكرمي الايني  
 والحاجي محمد جعفر الاسترابادي على انه تعلمه منهم لكن اصل سواد في علوم النقلية بالسياسة صاحب التوضو والنجاسات قد روي عن غيبه عن  
 اشعبيه الثالث وحمد السلام الاقا سيد محمد باقر الجيلاني وغيره ما وقد علم في العلوم العقلية عند المفضل الاقا سيد علي بن السيد محمد حسين المشكباتي  
 اسان في بلدة الطهران المدينتي مدد رسته ان المروي عند الملاك الاقا القروي والشيخ محمد بن الانكودي والاقا سيد في المازندران غيرهم اللهم غنا توفيقا وتوفيقا

# کتاب قصص العلماء من تالیف العبد کانی

الفانی محمد بن سلیمان التمشکی

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

الحمد لله الذي انعم على العباد بالعلوم الكافية في السداد والتمسك اليها في الرشد ونصب السفراء الانجاد المتهذبين الى  
المبدأ والمعاد ثم اقام مقامهم القوام الذين بهم تم السداد وبهم اسكنت الفرقة بين الائمة ودفع الشقاق والعدا وبمهم  
الشيخ بالتواتر والاحاد ثم بعد غروب الشمس سماء الرسالة واختفاء بروج الولاية عين العلماء للارشاد وجعل مودتهم  
والنظر الى وجوههم ومتابعتهم وسيلة النجاة يوم التناد والصلوة والسلام على خاتم السفارة الكرام البرزة قاسم الكفرة  
واللداد الموحى اليه بكتاب هو لكل قوم هاد الهاد الى سبيل الانقياد وآله الالكئين الاشرقيين الفضيلين  
الاطيبين الاطهرين الانجاد **وَلَعَلَّ** بنده شمسار درگاه آفرينگار محمد بن سلیمان التمشکی بنی بر صفا  
صحيحة اذ بان اعيان واجلاء اخلاء اخوان مي گارو که چون حضرت حکيم منان پس از غروب شمس رساله واختفاء بروج  
علما اعلام و فقها کرام را از فرقه حقه ناجيه اشني عشر پير مرجع و ملاذ و طبا و معاذ امور معاش و معاد معين فرمود و بسياري  
از ایشان بمرور زمان بمجول الاسم و القدر و التالیف و التوصيف گرويدند با اینکه جمعی کثيری از ایشان ارباب کرامت  
با بهره بوده و اعلا و افاضاً مراتب عالیة ایشان مزید رغبت ست و تحصیل علم و محبت اهل علم و تهمیه اذ بان  
افهام و فی الحقیقه محبت ایشان محبت امامان میباشد و عجب عجاب از جمعی از اصحاب که عمر را بتالیف تواریخ  
مصروف داشته قضایای نصرانیان و مجوسان و بت پرستان را در آن مندرج و مندرج ساختند بلکه بعضی شعرا را  
که از مصداق الشعراء بیت بعم الغاؤون احوال ایشان و زبده اشعار ایشان را در کتابی مستقل جمع و آن کتاب  
را بطبع و اشتهار در میان ابناء روزگار بافته و در احوال علما کثیر پرداخته اند بلی کتابی که نوشته اند یکی معالم العلماء

که از محمد بن علی بن شهر آشوب است که از مشایخ اجازه پدر محقق طوسی است و در سنه پانصد و چهل و هجری بوده و این  
 نسخه آنرا ندیده بلکه سماع شده که او علما زمان خود را تا شیخ طوسی که در سنه چهارصد و هشتاد و یک هجری بوده و دیگر عیال  
 که از نوادگان برادر صدوق است او هم کتابی در این باب نوشته که فهرست نام اوست و در او علما زمان شیخ طوسی را  
 خود را نوشته و این فقیر آنرا ندیده و دیگر کتاب اهل الاصل در بیان احوال علما جبل است که از تالیف صاحب مسائل محمد  
 بن حسن بن حر عاملی است بسیار مختصر است و این فقیر آنرا نیز ندیده و دیگر کتاب بیاض العلماء است که آنرا میرزا عبد  
 که از تلامذه علامه مجلسی است نوشته است و این فقیر آنرا نیز ندیده و دیگر کتاب لؤلؤة البحرین است که شیخ یوسف  
 صاحب حدیث آنرا در اجازه دو برادر زاده اش نوشته که یکی شیخ خلف و دیگری شیخ حسین است و دیگر کتاب  
 روضه البهیة است که آنرا آقا سید شیخ بر وجهی تالیف کرده در اجازه پیشتر سید علی اکبر و سید غرور از شاگردان  
 شریف العلماء میباشد و این روضه البهیة همان لؤلؤة است و چندان زیادتی ندارد و دیگر قاضی نورالله ششتری  
 بعضی از پنجاه مشاهیر علمای در کتاب مجالس المؤمنین نوشته و دیگر کتاب تذکرة العلماء است که این حقیر قبل از هشت  
 سال آنرا تالیف کرده با فقدان اسباب و قلت متبتع و دیگر رساله است از تالیف شیخ اسدالله و در آن قبلی از  
 علمای راجع کرده است و او از شاگردان شیخ جعفر نجفی و امام اوست فلذا این فقیر خواست که از مقروءات و  
 محفوظات ذکر می از اسامی علمای نامدار و مدت اعمار و زمان تولد و وفات و تالیفات ایشان و اساتید و  
 مشایخ اجازه ایشان و تلامذه ایشان و اینکه کیان از ایشان اجازه داشته اند و صحبت ایشان بعضی با بعضی  
 مناظرات و احوال ایشان با سلاطین عصر خودشان و طریق زیادت و تفاوت و تفاوت و نهج سعی و تحصیل ایشان  
 و کرامت حاجان کرامت و نامیدن این کتاب را **فصل العلماء** امید که برای خواص و عوام مفید  
 باشد و طالب علم و عباد و زهاد سودمند آید و اسم سامی و نام نامی ایشان در قنوت نماز و ترابود کرده و طلب  
 از برای ایشان نموده تا از روح عالیة ایشان نیز افاضه حاصل آید و معین در تحصیل و طریق عبادت گردد و این فقیر  
 رساله علمی و سابقا در کرامات علما نوشته و فی الحقیقة ذکر کرامات علما مایه وثوق و یقین بکرامات و معجزات آنمه و انبیا  
 و بضاعت حقیقت شریعت خاتم المرسلین است صلی الله علیه و بارک وسلم امید که ثولف را نیز بطلب مغفرت یاد شود  
 نمایند و این حقیر در کتاب تذکرة العلماء اسامی علما را بترتیب حروف بیجا ذکر کرده ام چنانکه در باب علم رجال اسامی  
 رجال را بترتیب حروف بیجا مذکور داشته اند لیکن درین کتاب اسامی علما را بترتیب اجازات و ترتیب از منته و انحصار  
 مرتب داشته ام و بحساب ابجد بحروف نشان گذاشتم و ابتدا نمودم به علما زمان خود و در میان ایشان ابتدا نمودم با **سام**  
 و نام نامی سید است و بالا جدا و الانجا د -

آقا سید ابراهیم بن سید محمد باقر الموسوی حجت الله



اول فرار گزینی بالاسے ذنب من بود وان نکل دوم کہ در روز دوم آرمگاہ توشہ بالاسے کمر من بود و این نکل سوم کہ اکنون نشینت بالاسے سر من ست۔ ومن از خوف ماہیانے کہ در وسط این دریا میباشند مجرت آن ندانم کہ بیان دریا بروم زیرا کہ مرا بلعے نمایند لہذا من در کنار دریا منزل گرفته ام پس ترا چگونہ توانائی آن ست کہ نشت این بجز راطلی نمانی اکنون مراجعت کن و کیفیت احوال را بعرض حضرت سلیمان علی نسبتینا و آلہ و اصحابہ و علیہم السلام برسان آن مرغ گفت کہ مرا قدرت بر رجعت نیست آن ماہی گفت کہ من در همین ساعت ترا بسوالت بساحل این دریا میرسانم پس آن ماہی حرکت کردہ سر خود را بجانب ساحل برودہ آن مرغ پرواز نمود و بخدمت حضرت سلیمان علی نسبتینا و علیہ السلام آمد و آنچه واقع شدہ بود بعرض آنجناب رسانید۔

واقعة کہ بمیان استاد شیخ محمد حسین روسے نمود

واقعة کہ میان شیخ محمد حسین صاحب فصول و استاد بوقوع پیوست اجا لث انیکہ کسے نکاحے کرد و امر منجبر بشا جہ و منازعہ میں المتناکھین انجامید پس سید استاد انجمنہ مژواہ حکم بطلان آن نکاح نمود براسے اینکہ منکوہ رشیدہ بنود و شیخ محمد حسین حکم بخت نمود و آن منازعہ بطول انجامید تا اینکہ امر منجبر بفقہاء بخت شد پس شیخ علی محقق ثالث خلف شیخ جعفر نجفی بہ تقویت استاد و حکم بطلان آن عقد نمود و سائر فقہاء بخت نیز متابعت کردند و امر فیصل یافت و استاد در ۱۳۳۲ از ناخوشی و بیا وفات یافت پس اہل کربلا جازہ اش را در کوچہ ہاگردانیدند ہمہ سینہ زنان و مرثیہ خوانان با گریہا ہناسی چاک آنجناب در جنب سخن در بقعہ مخصوصہ نزدیک بجائہ اش دفن نمودند و این فقیر در منظومہ علم درانیہ کہ مستماتہ منبع الاحکام و دارائے قواعد کلیہ رجالیہ است گفتہ ام شیخ اجازتی ہوا استاد دولی الی جنابہ استناد التیہ المشہور فی الامعاء کاشمس فی رابعۃ النہار الموسوی سید الفحول محقق الفروع والاصول سیدنا استادنا ابراہیم عالمہ بالکرم لعہیم مدفنہ فی ارض کرب و البلاء و ہوشیہ از توفی بالوباء و کان فی مدرسہ سبعۃ من فضلاء و فحول طلبتہ تالیفہ ضوابط الاصول <sup>نتائج</sup> دلائل المنقول و ظاہر اینکہ عمر شریف آنجناب قریب بشصت سال باشد و از جملہ <sup>الاولاد</sup> غریبہ اینکہ استاد در کتاب و مایاسے از دلائل در مسئلہ اینکہ عدالت درومی شرط نیست بفعل مسلم بن عقیل تمسک جتہ کہ عمر سعد راومی ساختہ و فعل مسلم محمول بر صحت ست و قول بانیکہ عمر بن سعد عادل بودہ بطلان شب برہمی ست مسلم علم بہ فسق او نداشت انجب ست زیرا کہ همان انقار نکردن عمر از مسلم بانیکہ نایب خاص بود موجب ارتداد ست بانیکہ عمر بیزید نوشت کہ مسلم کوفہ را مغشوش کرد و کوفہ از دست تو در رفت و قول بانیکہ مسلم اشتراط عدالت را نہ میدانت آن ہم از انجب غریب ست و فرقی ما بین اختیار و اضطرار نیست و از غریب استدلالات اینکہ استاد در رد بقول بعموم منزله رضاع در نکاح دلائل استدلال کرد بقولہ تعالی و نبات عقیل پس دختر عموی پیغمبر بر پیغمبر حلال ست بنفس آیہ و بنا بر عموم منزله باید دختر عموی بمنزلہ برادر زادہ پیغمبر

باشند چه پیغمبر با حمزه شیر خورده و دخترهای برادران حمزه برادرزاده پیغمبر می شوند پس باید حرام شوند  
 با اینکه بنص آیه شریفه طلال میباشند البته کلام الاستاد اگر گوئی این سخن در دختر حمزه نیز جاریست چه او  
 حقیقه برادرزاده رضاعی پیغمبرست پس باید بر پیغمبر حرام باشد با اینکه بنص آیه دلالت بر حرمت میکند جواب  
 گوئیم دختر حمزه بعموم حکم من الرضاع مایکرم من النسب بیرون رفت پس اوله رضاع دختر حمزه را تخصیص دادند  
 و اگر گوئی که دلیل رضاع با آیه نسبت ایشان عموم من وجه است چه طیت دختر عم اسم ازان است که رضاع  
 در میان باشد یا نه و اوله رضاع دلالت بر حرمت خویشان رضاعی دارند چه دختر عم یا شایان پس نسبت عموم  
 وجه است و تخصیص دادن اعداد عامین من وجه را بر دیگرے ترجیح بلا مرجح و خلاف محاورات عرفیه و خلاف  
 دیدن فقهاست جواب گوئیم که نسبت اگر چه عموم من وجه است لیکن اگر اعداد عامین من وجه اقل مورد  
 باشد بمنزله اخص مطلق خواهد بود و مخصوص عام دیگرے شود و نظرای العرف و طریقه الفقها و شک نیست که  
 سواد رضاع در رعایت قلت و بنات غم در رعایت کثرت است پس اوله رضاع مخصوص بنات عم خواهد بود  
 تحقیق در مقام اینکه در محرمات رضاعیه باید عنوان رضاع را عنوان نسب قرار داد ازان پس حکم بر حرمت  
 نمود مثلاً در نسب فرموده و اخواکم خواهران شما بر شما حرامند پس باید در رضاع نیز چنین عنوان قرار داد که اخواکم  
 من الرضاة فلذا اگر برادرزید با کسی شیر خورد و دختر رضاعیه بر برادرزید حرام می شود زیرا که خواهر رضاعی او  
 و اخواکم من الرضاة بر او صادق است ولیکن آن دختر بر زید حرام نخواهد بود زیرا که آن دختر خواهر بنام  
 زید نیست بلکه خواهر رضاعی برادر زید است و در نسب آنچه حرام بود اخواکم بودند اخوات اخیکم و این دختر  
 خواهر رضاعی برادر زید است نه خواهر رضاعی زید و خواهر برادر در نسب حرام نیست و در صورتیکه خواهر خود  
 شخص نباشد پس در رضاع عم خواهر برادر حرام نمی شود مگر در صورتیکه خواهر رضاعی خود شخص هم باشد و از طلب  
 سواب استدلالات چیزی نیست که شیخ محمد حسن در جواب الکلام در مسئله جواز مصارعه و کشتی گرفتن تمسک نمود  
 بفعل حسین علیهم السلام که با یکدیگر کشتی گرفتند در محضر پیغمبر صلی الله و سلام علیه و امام در صف و کبر هرگز  
 حرام از او صادر نمی شد سیمای تقریر پیغمبر صلی الله علیه و سلم هم بوده پس باید کشتی گرفتن هم جائز باشد تا مثل  
 کن والله العالم -

### حاجی ملا محمد تقی برغانی ملقب به شهید ثالث

حاجی ملا محمد تقی بن محمد البرغانی القزوینی عالم عامل و فقیه عادل و جامع مجامع و جوامع علوم کامل افاضل  
 امثال خسریر فاضل باذل مولد آنجناب در برغان که از قراء دار اخلاقه طهران است و سکنش و مدفنش در دار السلطنه  
 قزوین و ایشان سه برادر بودند حاجی ملا محمد تقی که برادر بزرگ بود و حاجی ملا محمد صالح برادر وسط و هر دو فقیه

یک صفحہ در اول ہر سطر الف داشتہ در آخر آن در ہمہ سطور نون بودہ یا لام بودہ و گنڈا و در مدت دو ماہ تالیف ہمہ دورہ اصول با آن متانت آن ہم نسخہ اصل را بہ نحو ضرب نوشتن کہ اتفاق در حروف اول سطور و آخر سطور اتفاق افتد نیست از تائید آہی و کرامت بے نہایت حضرت احدیت - و این فقیر را نیز بر صنواب حواشی بسیار است - و کتاب نتائج الافکار و در اصول کہ تقریباً بقدر محال است و ہمہ دورہ اصول اولہ و اقوال را درست با عبایر فصیحہ کہ در نہایت فصاحت و بلاغت است و آنجناب رفتہ اللہ عنہ آنرا عنوان مے کرد و درس میفرمود و در بہمان سنوات این فقیر نیز مجلس درس ایشان استفادہ مینمودم و حواشی بسیار بر این کتاب نوشتہ ام و کتابے در اصول این بلاغت و فصاحت و جزالت و غنوت نوشتہ شدہ است و تلامذہ آنجناب شروع بسیار بر کن کتاب نوشتہ اند از انجملہ آقا شیخ محمدی کجوری و آقا سید ابوالحسن تکابنی ساکن قزوین و غیر ایشان و کتاب نتائج نیز در دو مجلد صغیرین میباشد و رسالہ در حجیت نطن کہ بہ بسط تمام تالیف فرمود و بسیار خوب نوشتہ تحقیقات بی اندازہ دارد کتاب دلایل الاحکام در شرح شریع الاسلام کہ از اول طہارت تا حد و قصاص نوشتہ مشتمل بر چندین مجلد آنچه در نزد این فقیر است ہیات یک مجلد صلوات یک مجلد بزرگ زکوٰۃ و خمس یک مجلد جمیع متاجرہ مجلد نکاح یک مجلد طلاق و طہار و لعان و ایلاء و خلع و بیاہ یک مجلد بزرگ عصب یک مجلد قسید و زباجہ و اطعمہ و اشربہ یک مجلد بقیہ را بعد از مر اجبت از خدمت ایشان نوشتہ کتاب مشتمل بر فروع بسیار و اولہ بشمار کہ در کتب مبسوطہ دیگر یافت نہ می شود با عبایر فصیحہ بلغیہ موجزہ محررہ از نکاح تا باخراہ میتوانم کہ او عالم علی سبیل تحقیقہ نیز یعنی بر مبالغہ کہ چنین کتاب در تدفین و تحقیق در فقہ نوشتہ و این فقیر در مین تدریس و تصنیف نکاح و طلاق و خلع و مبارات و طہار و لعان و ایلاء و اقرار در خدمت ایشان استفادہ مینمودم و رسالہ فارسیہ و طہارت و صوم و صلوات و رسالہ عربیہ و طہارت و صوم و رسالہ در مناسک حج و رسالہ حرمت در فروع آن و رسالہ در نماز جمعہ و میفرمود کہ من پانصد قاعدہ از قواعد فقہیہ جمع نمودم کہ قواعد کلیہ تالیف نہایم لیکن در کتاب دیات قواعد کلیہ چندان ندارد و ہمہ اکثر بروفق دلیل وارد است -

### در حفظ استاد

و آنجناب را حافظہ زیاد بود کہ ہر چہ را یک دفعہ مرور مینمود حفظ میکرد و لیکن میفرمود کہ زود از خواطر من میرود و نتیجتاً و آنجناب را خط خوب بودہ و نسخہ و شکستہ نستعلیق کہ درین دو قلم میفرمود کہ من دو ورق بیشتر مشق نہ کردہ ام و این کرامات آنجناب است و میفرمود کہ مشقت دفعہ کتاب تو این را درس گفتہ ام -

### در ازواج و اولاد

و آنجناب بعد از شریف العلماء مختلفہ اورا ہمتیار نمود اما از آن ضعیفہ از براسے استاد و اولاد نشد و از زن دیگر چند خنجر داشت کہ یکے را مرحوم ملا علی محمد خطیبہ کرد و دستہ اجابت فرمود و از فضلا شاگردان استاد بود و در ایام حیوۃ استاد در ہفتاد

و نماز جماعت و دوغلا و تدریس اشتغال داشت و بعد از وفات استاد و خلفہ او را کہ خلفہ شریف العلماء بود اختیار کرد  
 کا تدریس تدریس اما پر طولی نہ کشید کہ بعضی از اہل بلد اخوند ملا علی محمد اورا ہمائی خواستند و اورا مسموم نمودند و ان  
 جناب از یک زوجہ دو پسر باقی ماند و قطعہ سامروہ باہتمام استادا انجام یافت و ہر سالہ تہنوا ہے بسیار از موقوفات  
 ہند میفرستادند کہ بدستباری ایشان فقراء و تعمیر مشاہد مشرفہ مصروف مے گشت و اما در اخلاق آن بزرگوار  
 بمرتبہ بود کہ توصیف آن از تحریر بیرون است بلکہ این فقیر در میان علماء عرب و عجم نیکو تر از آن بحر قلزم ختم  
 در اخلاق ندیدم اگر کود کے میز چہ عامی و چہ غیر عامی چہ از نجبا و چہ غیر آنها اگر بر او وارد مے شدند تو وضع میکرد  
 از جاسے خود بر میخواست و این احوال در احدے از انباء روزگار نبود و اگر او را کتر مے گفتند و العیا و ابائش  
 فحش میدادند سکوت میفرمود بجدی کہ مشاہدہ نمودم کہ روزے یکی از اعراب کہ از مریدان سید محمد کاظم رشتی شیخ  
 بود میان شیخیہ و طبقہ فقہاء نہایت مسافرت و مباحثت و مشاققہ بود آن عرب در مجمع درس آنجناب حاضر شد  
 زبان ہرزہ درانی و کترہ و فحش باز و خجرت ہم بر کمرش بود و پیش می آمد کہ سید استاد نور اللہ مضجعه سر نیزہ افکنندہ و  
 سکوت داشت یکے از سادات خدام بناگاہ مطلع گردید آمد و گریبان این ملعون را گرفتہ کہ سید استاد فرمود اورا  
 کاری مدار و اورا تادیب و سیاست مکن کہ او مجنون است آن سید خادم از آن مجلس اورا کشید و در صحن مبارک حضرت  
 سید الشہداء برودہ و اورا انداخت و چوب بسیار باہ و زد و اورا تادیب و سیاست نمود و ہرگز در مجلس درس  
 برای گفتگو می طلب متغیر نہ مے شد با اینکه اکثرے مجادلہ و محاورہ و مقاولہ میکردند بلکہ بقاعدہ و قانون مناظرہ  
 با ایشان مناظرہ و مشاجرہ و مباحثہ میفرمود و اگر زیاد اوقات اورا تلخ منیہ و تبسم میفرمود و روی مبارک را از او بر میگرفتند  
 و مے گفت نامر بو طگو زیادہ ازین تغیر و مجلس درس وغیرہ ہرگز از او مشاہدہ نہ کردیم و در این چند سال کہ در خدمت  
 آن بزرگوار بودیم دوسہ دفعہ برای مہمی موخظہ فرمود بار شاققت لسان و طلاقت زبان و سلاست بیان و قافیہ  
 تفسیر قرآن۔

### در حکایت مضحکہ کہ از آن جناب مسموع شد

و از جملہ حکایات مضحکہ کہ از آنجناب استماع نمودم اینکه کسے در ہفتانی راہ و زکار با حقار رسید و صیت نمود کہ فلان شخص از آن  
 من محروم نمکنید و می آن شخص از عالمی از اہالی آن رستاق کہ باصول فقہ مانوس نبود اکتشاف از حکم این مسئلہ نمود  
 آن عالم در جواب گفت کہ نظر بقاعدہ باید موسی لہ را محروم داشت برای اینکه نفی در نفی موجب اثبات است کہ  
 عبارت از اثبات حرمان باشد و باید چیزی باونداد از قضایا بعد از چند سی عالمی اصولی بدان تقریر وارد شد این  
 مسئلہ را و فتوی ملای سابق و دبلیش را با و اظهار داشتند آن عالم اصولی گفت کہ جواب صواب آنکہ موسی  
 النبی چیزی و اوہ باشند و قاعدہ نفی در نفی درین مقام جریان ندارد زیرا کہ الفاظ اقراریر و اوقات و مسا یا را فرہم

عرفت باید حاصل نمود و عرفا و چنین کلام قطعاً مفهوم عرفی آن است که باید بموسی الیه چیزی داد و فهم عرف وارد بر قاعده است -

## حکایت مضمحکه کردن در مجلس درس گفت شد

حکایت اخروی که در مجلس درس محبت شد و آن است که استاد طیب الله تریبه و قتی مسئله جواز و طمی و برز و جاتا را درس میفرمودند و اوله بر جواز ذکر میفرمودند تا استقصا و اوله نمودند از آن پس فرمودند که هر که زیاده بر این دلیل فکر کرد و بیان کند پس ملا علی محمد ترک که یکی از افاضل تلامذه آنجناب بود عرض نمود که من در این باب دلیل علی علاوه فکر کردم آن جناب فرمود کدام است عرض کرد سیره علمای نیز بر آن استقرار یافته است پس استاد و حاضران بخندیدند - حکایت ثانی استاد نور الله مرقد در مجلس این مسئله را درس میفرمودند اگر کسی مالی را به کسی بدهد و او را وکیل در انفاق طائفه خاصه کند و این وکیل از آن طائفه باشد آیا جائز است که خود نیز سهمی بردارد فرمودند که احوط آن است که خود بر ندارد و مرحوم ملا علی محمد از روی طرافت و مطایب عرض کرد که این احتیاط فتوایت یا علمی آن جناب جسم فرمود و فرمود که ساله بانفاه موضوع است و همیشه از روی طرافت در تشیح بر مفاتیح فیض اجباری میفرمود که لوسماه مخبر المسالک لکان اولی مرادش آنکه مفاتیح خبر مطالب مسالک چیزی ندارد و همیشه میفرمود که اجتهاد بر سه گونه است یکی آنکه در میان مسنده رفته اقوال و شهرت و اجماع را تحصیل کرده از آن پس استدلال اقوال را بیان نموده و یکی از آنرا نخستین بار خود در مسئله را تمام می نماید و دوم اینکه استقصا اوله و جرح و تعدیل دلیل پیش از پیش نماید و قدری از فروع هم ذکر کند سوم اینکه قواعد کلیه را که مسئله بر آن مبتنی است به نحو اتم تحریر و تقریر کند و در اوله آن قدر گفتگو شود که فتوی را علمی یا قریب بعلم کند و آن قدر فروع ذکر کند که بے نهایت باشد و تضعیف دلیل مقابل بنویسند که قریب به بدی البطلان باشد و آقا سید علی طباطبائی شرح کبیر را بر پنج اول نوشته مولف کتاب گوید که مراد استاد آن نیست که حساب ریاض زیاده از اول درجات اجتهاد و مرتبه نداشت بلکه مرادش اینکه ریاض که شج کبیر است بسک اقوال درجه اجتهاد است و الاجناب آقا سید علی اعلی الله درجه استاد و اجتهادین است و عالم عظیم و قاری مضمخ است چنانکه در ترجمه آن جناب خواهد آمد و مخفی ننماید که یکی از بر این تقلید اعلم که بدان رفته ایم و رساله مفزوده در تقلید اعلم نوشته ایم آنکه مشارب فقها در مقدمات اجتهاد و اصول این درجات منقده اختلاف دارد بلکه هر کس در یکی از آنها مهارت دارد و یکی عوایت و پیش و یکی اکل در رجال و یکی در اصول و یکی در ادله نقلیه و یکی در عقلیه و یکی در درجات منقده و یکی در عبادات و یکی در معاملات پس شخصی باشد که در همه فقه و مقدمات آن و در همه این مشارب اعلم باشد

در اجازت سید استاد که برای مؤلف نوشته اند

و جناب سید اول کسی است که تصدیق بر آن اجتهاد این فقیر نوشته اند اما اجازة روایتی نه نوشته و من هم از ادعای  
 اگر چه بالاتر از دلالتهای بر اجازة روایت هم وارد و مستحسن اینک اجازة و تصدیق آن جناب را بعین عبارتش تحریر نمایم تا از جهت  
 تقریر حسن تحریر و فصاحت و بلاغت و خجالت و سلاست و غنای کلام آن نخبه و عالم خیر و حسن و ثوق و اشفاق و  
 الطاف او بالنسبه باین فقیر آگاه و از استماع و مطالعه در مشورته آن بزرگوار مستفید گردند و هذه عبارت  
 بسم الله الرحمن الرحیم و به نستعین الحمد لله الذی من علینا بالاهتدای بشریة خاتم الانبیاء و ارشدنا بآثارها  
 الاوصیاء و احدا بعد واحد الی حضرت سیدنا و مولانا قایم الامن صلوٰة الله علیهم الی یوم النجاة ثم فی زمن الغیبة امرنا  
 باتباع العلما الذین فضل مدادهم علی دماء الشهداء اصحابنا بعد فالذی بهم بیان و لایسبغی ستره و کتمانة هیوان  
 العالم العاقل و الفاضل الکامل ببحر الحقایق کثر الدقایق منبع الافاضات و منبع الفیوضات معدن المنطوق و المعنی  
 و مخزن المشور و المنظوم المحقق فی الفروع و الاصول و المدقق فی المعقول و المنقول و حید زمانه و فزیر آوانه علامته  
 علما الاعلام و نخبه الفضلاء الکرام و الفضل العظیم و الطبع السیم و الفهم المستقیم حاوی الماحد و المآثر و جامع المکارم و  
 لمفاخر ولدنا الغریر الروحانی جناب آقا میرزا محمد التکابنی متع الله الانام بفضلہ و ارشاده و ارشد هم بهدایة و اسعاده  
 قد استغرب عن الابل و الاوطان و حضر لهی جملة من الزمان و برهته من الاوان و بذل مجهوده فی تحصیل العلوم و تکمیل  
 و الرسوم و اتعب فکرة فی تحصیل المراتب العلیة و تالیف المسائل الفقیة و تصنیف الکتب و الرسائل الاصولیة المستقلة  
 علی المنظوم و المنشور فی کمال الفصاحت و غایت البلاغت کانهما الدرر المنشورة و الآلی المنظومة المشهورة حاویة  
 الغرر القوائد و درر الغرر اند فلله دره و قدس سره حیث سلک فی تالیفها مساکک اولی الالباب و لاحظ فیها فوائد الایام  
 و الاطناب فی جمیع الابواب مع ما یناسب من ذکر القوائد المهمة و القواعد المحکمة و توضیح الفروع المبهمة و کثیر من تحقیقات  
 و لایققة و التوفیقات الرشیقة و ادق نظره فی دفع الایرادات الفاسدة المحمّلة علی ما تقتضیه الضوابط و الادلة و فاق بک  
 قرانه الاجلّة فاجاد ما تنبسته نتایج افکاره بنعم افاد من الضوابط بدقایق نظاره فی مسائل الحلال و الحرام المستنبطة  
 من دلائل الاحکام حقیق ان یشتمع بها المساکک و الداخل و الواسطة و الوصل فنیئاً لذلك الجناب المستطاب  
 حیث بلغ مرتبة الاستنباط و درجة الاجتهاد و مؤیداً بالتأییدات الابدیة و التوفیقات السردیة و اعانة القوة القدیة  
 الالهیة من اعظم الشرايط و اقوم الوسائل و الوسایط و مثل الله تعالی له بروام التأیید کما یطیق و یجعل له التوفیق  
 غیر رفیق حتی یکون مرجعاً للمسلمین و مناراً یتهدی به همس الملکة و الیمن و ان لایسافی فی الخلوات و مظان الاجاب  
 من صیاح الدعوات انه قامنی الحجابات و ولی الخیرات استقی کلام السید الاستاد بدانکه در زمانه که در رعایت  
 عالیات بودیم سید استاد سرآمد علما آن بلاد و مرجع کلیه عباد بود و مد آن زمان در نجف اشرف در مجلس درس

مرحوم شیخ محمد حسن رحمه الله صاحب جوامع الکلام شست هفتاد نفر می نشستند و در مجلس درس مرحوم شیخ مرتضی انصاری  
غیر جامع میشدند. اشتهار مرحوم استاد زیاد از دیگران بوده از قضایای اتفاقیه از شیراز شخصی وفات نموده و مبلغ چهار هزار تومان  
از بابت نکت حسب الوصیت خدمت سید استاد آوردند مرحوم شیخ محمد حسن از نجف بخانه سید استاد وارد و گفت تا سهم من  
ندهی نخواهم از اینجا بیرون رفت پس استاد مبلغ چهار صد تومان تسلیم او نمود و پس از مرحوم حجه الاسلام رساله مرحوم استاد  
را در قزوین چاپ زدند کفایت همان شهر نه کرد و باره همان رساله را چاپ انداختند در میان چاپ آنجناب وفات یافت  
پس از وفات آن بزرگوار مرحوم شیخ محمد حسن نجفی اعلی الله مقامه علم اشتهار برافراخت و از جمله وقایع اینکه مرحوم شیخ محمد حسن  
در بدو امر احکام مرحوم استاد را امضاء نموده نمود تا اینکه شاگردان آنجناب در خدمت شیخ محمد حسن آمد و رفت کردند و شیخ تصدیق کردند  
و این از غرایب روزگار است باینکه اصول و رجال و عربیت استاد و مسلماً زیاد از شیخ بوده بلکه فقاهت آن بزرگوار و در علم  
و تقوی او پیش از شیخ بود و شاید بر شیخ آگاهی از احوال استاد در بدو امر نبود و الله العالم -

در زهد استاد

مراتب زهد استاد اینکه بار رسیدن تنخواه هندی بدست او که زیاد از بیست هزار تومان بود و با وجود رسیدن وجوه بسیار  
از ایران و عربستان بدست او بسیار فقیر بود و جز گزافان بومیه نهایت قناعت چیزی نداشت و دوستی جمع ننمود و زمان ضیاع  
السلطه که یکی از صبا یاسی فاقان فقیر فتحعلیشاه بود و نهایت مشهوره در کمال و مال و جمال بوده و فتحعلیشاه از مرحوم اخوند  
ملا حسن یزدی صاحب بیج الاحزان خواهش نمود که صبا یاسی السلطه را بفرزند اخوند تزویج نماید اخوند قبول نکرد و عقد بانه شد  
که ما رعایا قابل آن نیستیم که بنات سلاطین در خانهای ما باشند چنانچه معروف است که فاضل قمی صاحب قوانین را پسری بود  
و مرحوم فتح علی شاه خواهش نمود که یکی از صبا یاسی خود را به پسر میرزاده بامشند بعد از انقضاء مجلس میرزا از خدا تعالی خواست  
که اگر باید شاهزاده بزاوحت پسر من در آید پس پسر مرا مرکه بعد از انجام دعاء پسر میرزا در میان حوض خانه غرق شد و وفات  
یافت مجلاً بعد از فتح علی شاه صبا یاسی السلطه بعقبات عالیات عرش درجات رفت اولاً در نزد مرحوم آقا سید محمد مهدی  
پسر آقا سید علی طباطبائی فرستاد که مرا اختیار کن سید امتناع نمود و جواب گفت دستوش بگنجد قبول موصول نشد و آقا سید  
مهدی از ازهدزاده روزگار بود از آن پس شاهزاده صبا یاسی السلطه از شیخ محمد حسین صاحب فصول خواهش مزاجت نمود و شیخ  
نیز قبول نفرمود تا آنکه در خدمت سید استاد کس فرستاد و خواهش مناکحت و موصلت نمود استاد در جواب فرمود که مخارج شما  
شاهزادگان بسیار است و ما را بخر فقر و فاقه حاصل نیست و از عمده مخارج شما نتوانیم که برانیم شاهزاده دیگر بار کس فرستاد  
که من از شما هیچ مخارج مطالبه نمیکنم بلکه خرج شما و عیال شما هم با من باشد آنجناب در جواب گفت که مرا عیال و زن  
و فرزند است که در حال عسر و فقر با ما بسر بردند و لازم بمواصلت شما آنکه از ایشان چشم پوشم و این قبیح است شاهزاده  
دیگر بار کس فرستاد که شما در نزد عیال خود منزل داشته منظور آنکه اسم شما بر من باشد سید استاد استنعا نمود و بالکلیه اظهار

یاس او نمود -

### در فتا و اسے غریبہ استاد

و از جمله فتا و اسے غریبہ استاد اینکه در کتاب صوم از دلائل الاحکام نوشته است که در ابطال خان صوم را دو وجه است  
 اظہر اینکه در حاشیہ منہ نوشتہ است کہ دغان مبطل صوم نیست و مؤلف چون کتاب صوم و دلائل استاد را استنسخ نمودیم  
 و باین مقام رسیدیم خدمت آن جناب علی اللہ مقامہ مشرف شدم و عرض کردم کہ شما کشیدن غلیان را مفسر صوم میدانید  
 آنجناب فرمود کہ من چنین فتوای نداده ام عرض کردم کہ اگرچہ در کتاب دلائل در مفسر بودن دغان صوم را توقف فرموده  
 لیکن در حاشیہ منہ نوشتہ اید کہ اظہر عدم مفسر بودن دغان است آن جناب فرمود کہ مقتضای دلیل را نوشتہ ام لیکن چون  
 بآن نداده ام و راضی بر آن نیستم کہ کسی این فتوای را نسبت بہن و بد -

### گرامات سید استاد

و اما گرامات آن جناب پس آن بسیار است از جمله آنها حکایت خواب دیدن صدیقہ کبری است کہ قلم و دوات بہت  
 او داد و فرمود کہ فقہ نبویس چنانکہ گزشت - و از جمله گرامات آن جناب آن است کہ برای رسالہ نوشتن استخاره نمود  
 این آیه برآمد **وَيَأْتِيهَا مَلَأَةٌ ابْنَاهُمْ حَيْفًا** چنانکہ سبق ذکر یافت - و از جمله گرامات آن جناب چیزی است کہ  
 در اللہ بسیار و در اصرار و رفاقت اشتہار است کہ اہل بلاد ہندوستان بآن بزرگوار عیضہ نگار شدند کہ براسے مار سالہ ارسال  
 فرمودہ کہ **تقلید شما نمائیم** آن جناب رسالہ با مراسلجات ہندوستان ارسال داشت عین  
 رسالہ و زکشتی نشستہ چون بوسط دریا رسیدند باد مخالف وزیدن گرفت و آب بموج درآمد نزدیک بان شد کہ کشتی اہل  
 و سکان کیسہ غریق بچہ فنا شوند پس اسباب و احوال و اثقال را در آب بختند تا کشتی سبکبار و از باد مخالف با و آزاری  
 وارد نیاید و آن خورچین کہ رسالہ و مراسلجات در آن بود آن نیز در آب انداختہ شد پس سکان کشتی بہ بند رسیدند و  
 ماجری را برای سکتہ ہند حکایت داشتند بار دیگر اہل ہند عیضہ نگار بخدمت آن بزرگوار گشتند کہ رسالہ و مراسلجات  
 بآب انداختہ اند بار دیگر مجدداً رسالہ ارسال فرمائید آن جناب مجدداً درین خیال شد کہ نسخہ دیگر را نسخ استنسخ کردہ  
 بار دیگر بہ ہند فرستادہ باشد پس چندی نوشتجات از اہل ہند رسید کہ مراسلجات شما بار سالہ بصحت و سلامت  
 بہار رسید **تفصیل** این اجمال اینکه روزی بغرم تفریح بجنار دریا رسیدیم دیدیم کہ حیوانے غریب از حیوانات دریائے  
 و مردہ و شکم او ورم کردہ شکم او را شکافیم دیدیم کہ خو حبیبی در میان شکم اوست سرخو رہمین را شکافیم دیدیم  
 کہ رسالہ و مراسلجات شما ہمہ در آن است و هیچ آفتی بانہا نرسیدہ و هیچ سیاہ نہ شدہ و آب در آن ہا تا شیر نہ کردہ بود  
**و از مجلد گرامات** ظاہرہ بانہر آن بزرگوار آن است کہ یکے از تلامذہ آنجناب میرزا محسن اردبیلی بودہ کہ درین  
 زمان از مشاہیر آندیار است و در مجلس درس سخن بسیار میگفت کہ نافع آن مانند اکسیر و جاعت اتراک غالباً فطریط



الطلب میباشد روز با استاد میجا که در استاد هر چه در جواب امر کرد او جز انکار کاری نکرد استاد گفت نامر بوط کومیزیا  
 محمد حسن گفت نامر بوط می شنوم آنجناب سکوت فرمود پس از انقضای مجلس درس میرزا محمد حسن بمنزل مراجعت کرد منزل  
 بالاخان و فوقانی درجات داشته همین که خواست از پله بالا رود کمرش بی اختیار پاره شد هر چند معالجه کرد سوخته نشد  
 پس از فوت استاد نذر کرد که بزیارت کر بلا آید فائده نه بخشید و برای سپر استاد ستمی قرار داد و هر ساله خدمات کشید  
 برای بازماندگان استاد می نمود و بزیارت بیت اشرفت علاج نشد اکنون بهمان مرض گرفتار است و آنجناب را  
 آنجناب اینکه در آن از من سید ابراهیم نام زعفرانی در کربلاء از رؤسا اشرار آن دیار و همیشه از خدمت سلطان  
 امصار در مقام انکار و جناب استاد نیز از شرارت آن شیرور کار بجد یک کاسه آب از در مجلس استاد بر زمین زد و شکست  
 دمال فقر او تنخواه بند را خود مطالبه از استاد داشت که گرفته صرف خود نماید و در آن مجلس شیخ محمد بن شیخ علی بن  
 شیخ جعفر حضور داشت و شطب می کشید پس شطب خود را بجهت سوء ادب ابراهیم زعفرانی بر سر آرزو به نحو یک  
 شطب شکست پس بعد از زمانی پاشا بغداد با اهل عناد بر آن شقاوت بنیاد غلبه کرد و روزی آن ظالم  
 باز بخیر براس می مجلس استاد حاضر نمودند و از بغداد حکم شد که در آن مجلس نشینند و در یک ساعت بیشتر در خدمت  
 سید استاد نماند پس پای استاد را بوسید استاد او را نشنید و مهم او را انجام فرمود و از این قبیل کرامت بغیر آنچه مذکور  
 شد حقیر خود مشاهده نمودم - کرامت دیگر اینکه زمانی که آنجناب در نجف اشرف بودند و در مجلس شیخ علی خان نماند  
 شدند در خواب دیدند که حضرت امیر المومنین علیه السلام با او امر فرمودند که باید بگریزید با شعی آنجناب بملاحظه مسئله  
 عدم حجیت رویا استمال نه کردند پس دفعه دوم باز همان خواب را دیدند و حضرت امیر علیه السلام فرمودند که خواب  
 اول تو صدق بود و سخنوغیری هم فرمودند پس آنجناب باز مسامحه داشتند پس دفعه ثالثه باز حضرت امیر را  
 بخواب دیدند که حکم فرمودند که باید بگریزید و در آنجا اقامه نمائی پس آنجناب اعتشال کرده بگریزید آمدند و در آنجا  
 اقامه فرمودند - از آنجمله یکی از سادات از تلامذه استاد با اشرار کربلا منافست و موافقت داشت او را علم کردند  
 و مجلس درس براس او می ساختند و مردم را با گراه بدرس او می بردند جناب استاد را هم خواستند که شمام  
 به مجلس درس او حاضر شوید آنجناب اجابت فرمود و متعذری آن شد که صبحها در مجلس درس است و فرصت نه  
 می شود پس کار را بر او تنگ ساختند آنجناب بعزم زیارت کاظمین علیه السلام و تقمیر بنامه بکاظمین رفت از آن  
 پس پاشا بغداد بعزم محاصره و تخریب کربلا عساکر زیاد حرکت نموده در همان آوان این حقیر در بالای سر مرقد مطهر جناب  
 حضرت سید الشهداء استخاره نمودم که حرکت نکنم در همان جا بمانم این آیه آمد ان الملوك اذا دخلوا قرية افسدوا  
 الخ و اسباب حرکت هم موجود نبود و از افاضات امام بلانفاصله خرج فرام آید و حرکت بجانب کاظمین علیهما السلام  
 نمودم در اندک زمانی پاشا بر کربلا غالب و نهب و اسروقتل کرد و اشرار را گرفته مقید و مغلول بجانب بغداد